

جایگاه جهاد و شهادت از نگاه جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)

زاهد غفاری هسجین^{۱*}
جبار شجاعی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۱

چکیده

جنبش حماس به‌عنوان جریانی مردمی با گرایش دینی- ملی، خواهان دفاع از حق فلسطینی‌ها و مبارزه با صهیونیست‌ها و حامیان اشغال‌گرای آنهاست؛ از این رو می‌کوشد تا راهبردهایی را برای تشکیل دولتی اسلامی در این سرزمین اتخاذ کرده، به‌اجرا درآورد؛ در واقع، دولت‌سازی در فلسطین، فرایندی (پروسه‌ای) است که می‌بایست در مرحله پس از آزادسازی صورت‌گیرد؛ از همین رو، حماس در صدد است تا مشروعیت سیاسی خود را در این سرزمین ارتقا بخشد و به همین دلیل، اقدام‌های سیاسی و نظامی بسیاری را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده و معتقد است، انجام خیلی از این‌گونه اقدام‌ها با جهاد و باور شهادت، امکان‌پذیر است؛ براساس این، مقاله حاضر، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که «جهاد و شهادت در منظومه بینشی _ کنشی این جنبش چه جایگاهی دارد؟»؛ براساس یافته‌های فرهنگ سیاسی حماس که بر سه مقوله مقاومت، هویت عربی _ اسلامی و آزادی مبتنی‌افته است، جهاد و شهادت، ابزاری است برای مبارزه با نیروهای اشغالگر و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی. پس از کالبدشکافی این دو مؤلفه در منظومه فکری حماس به روش توصیفی _ تحلیلی، روشن شد که جهاد در نگاه این جنبش، هم شامل اقدام‌های نظامی و هم غیرنظامی است که سرانجام آن، به شهادت منجر می‌شود و این ارزش در این جنبش، قداست و جایگاهی والا دارد؛ در همین راستا، از نگاه حماس، دو مؤلفه یادشده، به‌مثابه دروازه ورود به روند دولت‌سازی تلقی می‌شوند.

واژگان کلیدی: فلسطین، حماس، جهاد، شهادت، دولت‌سازی.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) (z_ghafari@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

مقدمه

حماس، جریانی ایدئولوژیک به‌شمارمی‌رود که درصدد است، اندیشه اخوان‌المسلمین را براساس بسترهای فرهنگی - اجتماعی سرزمین فلسطین بسط دهد لذا مؤسسان حماس، همچون نیروهای اخوانی در مصر، حرکت مبارزاتی خود را با انجام کارهای عام‌المنفعه و مواردی از این قبیل آغاز کردند؛ این جنبش، از سازوکار بسیج توده‌ای نیز برای تقویت پایگاه مردمی اخوان و آرمان‌های آن استفاده می‌کند؛ بنابراین، موفق شده که توده‌های مردم را برای رویارویی با اقدام‌های صهیونیست‌ها در فلسطین بسیج کند.

در بررسی هرم تشکیلاتی جنبش، این نکته توجه را جلب می‌کند که الگوی اسلامی مبتنی بر اصول شورا و گزینش رهبری، با بیعت عمومی و آنگاه اطاعت از رهبر، پایه اصلی ساختار تشکیلاتی اخوان‌المسلمین فلسطین شناخته می‌شود؛ همچنین رسالت تبلیغی، سیاسی و جهادی منبعث از نگاه اسلامی، یکی از نشانه‌های مهم پایه‌های تشکیلاتی جنبش حماس است اما تحول کیفی جماعت اخوان‌المسلمین هم‌زمان با وقوع انتفاضه از یک سازمان تبلیغی به یک سازمان مقاومت که در شکل حماس تجلی یافت، زمینه‌ساز تفاوت تشکیلاتی جماعت اخوان‌المسلمین از یک‌سو و جنبش حماس از سوی دیگر بود؛ درواقع، نیروهای حماس، توانستند با بهره‌گیری از روحیه مبارزه‌جویی خود، پاسخ‌گوی ضرورت‌های مرحله مختلف انتفاضه باشند؛ در نتیجه، جنبش حماس بی‌آنکه از اسلام به‌مثابه خط‌مشی اصلی و راهنمای عمل خود فاصله بگیرد، توانست نیروهایی چند نیز جذب کند.

اهداف حماس که بر مبنای اندیشه اسلامی شکل گرفته، بر تجربه تاریخ اسلام و تجربه مقاومت مسلحانه ملت فلسطین از اوایل قرن بیستم، مبتنی است؛ در همین راستا، جنبش یادشده به این نکته آگاه است که نیل به هدف اصلی خود، یعنی آزادسازی سرزمین، مستلزم بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای و اسلامی است چراکه مسئله فلسطین، به کل جهان اسلام، مربوط است و نه فقط، فلسطینی‌ها؛ بدین ترتیب و براساس دیدگاه حماس، تمامی تلاش‌ها در جهان عرب و ازاساس، کل جهان اسلام می‌بایست حول این مسئله، متمرکز شود لذا در سطوح داخلی و از طریق تأکید بر وحدت ملی و نفی قطعی کشمکش داخلی نیز باید همه کوشش‌ها در جهت پیشبرد آرمان فلسطین به‌کارگرفته‌شود زیرا هشیاری سیاسی مربوط به وضعیت ملت تحت اشغال فلسطین، نیروهای سیاسی را وادار می‌سازد که از یک‌سو مقوله وحدت را در نظر بگیرند و از طرف دیگر، از هیچ تلاشی برای پیشبرد توسعه جامعه و

مبارزه با دشمن صهیونیستی دریغ‌نورزند؛ به همین دلیل، جنبش حماس، مسئله را از منظر اسلامی، ملی و سیاسی بررسی کرده، به این نتیجه، نایل آمده‌است که حل و فصل بحران و برقراری صلح در منطقه، تنها و تنها از طریق پایان دادن به اشغالگری اسرائیل ممکن است؛ در نتیجه و از دیدگاه این جنبش، ابتکار عمل و راه‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی، در صورت نادیده گرفتن واقعیت یادشده، سرنوشتی جز ناکامی و شکست نخواهند داشت؛ تحت چنین شرایطی است که این جنبش، جهاد در راه خدا و شهادت در این مسیر را به‌عنوان دو مقوله‌ای برمی‌شمرد که منظومه کنشی و راهبرد حماس برای شکل‌دهی به هدف اولیه و برتر خود است که این هدف همان تشکیل دولتی اسلامی در فلسطین می‌باشد؛ از این رو تلاش می‌کند تا در حرکت‌های تبلیغی خود، ضمن تشریح زوایای اندیشه اسلامی در منشور فکری - فرهنگی دولت اسلامی، بر این دو مؤلفه، بیشتر تأکید کند؛ بدین ترتیب، این مقاله براساس روش کیفی تحلیل اسنادی و با استفاده از منابع دسترس‌پذیر، در پی پاسخ این پرسش اصلی است که «جهاد و شهادت از نگاه جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» چه جایگاهی دارد؟».

الف - مبانی نظری و نظریه پردازان جنبش حماس

۱- مبانی نظری

در آغاز و نیمه‌های قرن گذشته و در جریان مبارزه مردم فلسطین، ضد استعمارگران انگلیسی، شخصیت‌هایی مانند حاج امین الحسینی، عبدالقادر الحسینی و شهید شیخ عزالدین القسام، پرچم مبارزه را برافراشتند و مردم فلسطین را با تکیه بر اندیشه‌های اسلامی، به جهاد دعوت کرده‌اند اما جنبش‌هایی که پس از تشکیل دولت اسرائیل به سال ۱۹۴۸ شکل گرفتند، تحت تأثیر اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی قرار گرفتند تا اینکه پرچم اسلام و عواطف دینی، به‌طور مجدد و با پیدایش انتفاضه در دسامبر ۱۹۸۷ و اعلام موجودیت جنبش حماس، به صحنه بازگشت و به‌سرعت به نیروی محرکه توده‌های مردم فلسطین تبدیل شد.

جماعت اخوان المسلمین در فلسطین، با محدود کردن کشمکش موجود در مفاهیم ناسیونالیستی، طبقاتی یا ملی، مخالف بود؛ در همان حال، این جنبش، به ابعاد ملی و ناسیونالیستی کشمکش جاری توجه می‌کرد؛ در همین راستا شاهدهیم که *عدنان النحوی* به این مفهوم اشاره کرده، بیان می‌کند که «مسئله فلسطین، فقط مسئله‌ای ملی یا ناسیونالیستی نیست بلکه مسئله فلسطین، مسئله ایمان، توحید، دین و عبادت است؛ در واقع و در یک کلمه، مسئله فلسطین، مسئله اسلام و امت اسلامی است و مسئله همه

مسلمانانی است که به خداوند و آخرت ایمان دارند» (النحوی، ۱۹۸۰: ۷۰).

به‌هرحال، جنبش حماس، موفق شد، مصادیقی مشخص برای مفاهیم کشمکش جاری در سرزمین فلسطین پیدا کند که در مجموع از مفاهیم کلی اندیشه‌های اخوان‌المسلمین خارج نبود اما این جنبش توانست مفاهیم موجود را به‌گونه‌ای سازگار با حجم کشمکش جاری گسترش داده، آن را به‌صورت قاطعانه در چارچوب کشمکش میان تمدن‌ها در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و دینی ارائه کند.

حماس بر این باور است که آتش تهاجم موجود که شعله‌های آن در فلسطین زبانه می‌کشد، با هدف ویران کردن همه سرزمین‌های اسلامی، برافروخته شده و عرصه‌های گوناگون تفکر، سیاست، اخلاق، اقتصاد و اجتماع را دربرمی‌گیرد؛ در این میان و بیش از همه «روح امت» و باورهایش در معرض تهدید است چراکه این روح امت است که قدرت رویارویی می‌آفریند؛ براساس این است که جنبش حماس معتقد است، وجود یهودیان در سرزمین فلسطین، نه تنها مردم فلسطین بلکه امت عرب و اسلام و همچنین، دین، عقیده و تمدن این امت را هدف گرفته است.

بی‌تردید، افزودن بُعد تمدنی و تأکید بر توسعه دامنه چالش به‌گونه‌ای که امت اسلامی و میراث و باورهایش را دربرمی‌گیرد، دیدگاهی است که با واقعیت کشمکش موجود به‌ویژه تشدید عملیات نظامی ضد موج بیداری اسلامی در منطقه همخوانی دارد و این نکته‌ای است که جنبش حماس را وادار می‌کند، بر این امر پافشاری کند که صحنه این پیکار برای ورود ملت‌های عرب و مسلمان در کنار جنبش حماس گنجایش دارد؛ در این صورت است که مسئله فلسطین، عمق عربی و اسلامی پیدامی‌کند؛ براساس این است که جنبش حماس، نگاه استراتژیک خود را ضمن مبارزه با این تهاجم‌ها، تشکیل دولتی اسلامی می‌داند که به هویت عربی ملت عرب فلسطین احترام می‌گذارد و از این رو، شاهره نیل به تشکیل این حکومت را مبارزه با رژیم صهیونیستی، آزادسازی فلسطین و نشر اندیشه اسلامی در میان جمهور مردم می‌داند.

۱-۱ تشکیل دولت اسلامی

بنابر آنچه گذشت و در کنار اینکه حماس، جنبشی آزادی‌بخش و ملی محسوب می‌شود، در همان حال، جنبشی اسلامی است که در جهت برپایی نظام اسلامی منسجم با اصول ایدئولوژیک و جهان‌بینی خود فعالیت می‌کند. طبق گفته‌های رهبران جنبش حماس، این گروه می‌کوشد تا در فلسطین، دولت اسلامی برقرار کند. آنچه مهم است، موضع حماس در طرح موضوع «دولت» است که

معتقد است، رابطه میان هدف «آزادسازی» و «برقراری دولت» رابطه‌ای ساختاری است و در نتیجه، حماس بر این باور است که در تعامل با این هدف باید توجه داشت که اقامه دولت اسلامی در میان مدت، امری زود هنگام است، زیرا حماس، جنبشی مقاومتی است و اگر این مقاومت، هدف خود یعنی آزادسازی فلسطین را محقق سازد، در این صورت و پس از مرحله آزادسازی، موضوع برقراری دولت طرح خواهد شد؛ افزون بر این، رهبران حماس معتقدند که چون آنها راه سخت آزادسازی را هموار می‌کنند، حق اولیه تشکیل دولت، از آن حماس است (موسوی، ۱۳۸۲: ۶۰).

بنابراین مشاهده می‌شود که برقراری دولت در نقشه سیاسی جنبش حماس، نتیجه و ثمره آزادسازی فلسطین است و این امر نشان می‌دهد که میان هدف آزادسازی اراضی فلسطین و همچنین هدف برقراری دولت، رابطه‌ای به هم پیوسته و البته قابل مناقشه وجود دارد چرا که به نظر می‌رسد رهبران این جنبش به این نتیجه، نایل آمدند که از اساس، دستیابی به دولت از رهگذر آزادسازی فلسطین، امکان خواهد داشت، تحقق یابد؛ به تعبیر دیگر، آزادسازی و دولت‌سازی، دو خط ملازم هم هستند که تحقق یکی، مقدمه‌ای است برای تحقق دیگری؛ در همین راستا، جنگ و نبرد مسلحانه، راه آزادسازی است که پایان این راه، به برقراری دولت خواهد انجامید؛ بنابراین و در همین چارچوب است که رهبران حماس به هنگام صحبت از آزادسازی، به دولت‌سازی نیز گریزی خواهند زد.

در این خصوص، امروزه شاهدیم که دو جنبش فتح و حماس بر سر تشکیل دولت وحدت ملی به گونه‌ای که تمامی گروه‌های سیاسی را در خود جای دهد، به توافق رسیده، دو گروه، ضمن کوتاه آمدن از مواضع پیشین خود، به این نتیجه می‌رسند، دولتی تشکیل دهند که بتواند آرمان آزادسازی اراضی اشغال شده را با شرکت تمامی جریان‌های سیاسی این کشور به پیش برده، محقق سازد.

۱-۲ آزادسازی فلسطین

جنبش حماس که خود را نگهبان میراثی عربی-اسلامی می‌داند، مقاومت نیروهای فلسطینی را نماینده اندیشه‌های اسلام‌گرایان به‌شمار می‌آورد و بر اساس این است که به مناسبت مراسم گرامی داشت شهادت تعدادی از نیروهای گردان‌های عزالدین قسام، نایب‌رئیس دفتر سیاسی حماس، طی سخنانی، بر ادامه مقاومت تا آزادسازی فلسطین تأکید کرد و خود هنیه نیز، طی مراسمی در منزل شیخ احمد یاسین بیان کرد که مقاومت برای ما (نیروهای عضو حماس)، به مثابه ابزاری است برای آزادسازی فلسطین یا اینکه خالد مشعل، طی سخنانی در خصوص انتفاضه سوم بیان کرده است که: «این انتفاضه نشان داد، ریشه همه مشکلات ما در اشغالگری و شهرک‌سازی است و تا زمانی که این

اشغالگری و طرح شهرک‌سازی ادامه‌داشته‌باشد، مقاومت و انتفاضه هم تا آزادی سرزمین و مقدسات فلسطین ادامه‌خواهدداشت»^۱.

درهمین خصوص، دکتر موسی/ابومرزوق، پیش از بازداشت خود در تاریخ ۱۹۹۵/۷/۲۵ در ایالات متحده می‌گوید: «نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم که ملت فلسطین به‌تنهایی نمی‌تواند فلسطین را آزادکند یا با قاطعیت بگوییم، ملت فلسطین به‌تنهایی می‌تواند فلسطین را آزادکند. ما در هیچ‌یک از دو مورد با قاطعیت سخن نمی‌گوییم، زیرا اگر بگوییم ملت فلسطین نمی‌تواند فلسطین را آزادکند و باید از عمق عربی و اسلامی بهره‌مند شود، این مسئله ممکن است، ملت فلسطین را به‌سوی رخوت، انفعال و چشم‌دوختن به امدادهای بیرونی سوق‌دهد، زیرا صاحبان اصلی این مسئله بیش از هرکس، مسئولیت آن را بردوش می‌کشند و این ملت (شرعی) و در درجه اول، مکلف به دفاع از خود و وطن خود و رویارویی با طرح صهیونیسم است. عامل خارجی به‌مثابه عامل پشتیبان باقی‌مانده که ممکن است در پاره‌ای شرایط و از طریق ارائه کمک‌ها و امدادهای مهم، جنبه حاد و جدی‌به‌خودگیرد و بخش محوری روند آزادسازی را به خود اختصاص دهد؛ همچنین ما با قاطعیت نمی‌گوییم که ملت فلسطین به‌تنهایی می‌تواند فلسطین را آزادکند زیرا این رویکرد، عمق عربی و اسلامی را از مسئولیت‌هایش در قبال مسئله فلسطین معاف می‌کند؛ بدین ترتیب، ملت فلسطین همراه با عمق عربی و اسلامی در کنار یکدیگر، مسئولیت آزادسازی فلسطین را پس از آماده‌سازی شرایط اصلی آن ازسوی صاحبان درجه یک فلسطین اجرامی‌کنند. به‌رحال نباید از نقش عمق عربی و اسلامی در روند آزادسازی غفلت کرد زیرا طرح صهیونیسم، فقط فلسطینی‌ها را هدف قرار نمی‌دهد بلکه اعراب و مسلمانان نیز در دایره هدف‌های صهیونیسم قراردارند؛ ازاین‌رو می‌گوییم که ممکن است (بدون قاطعیت)، ملت فلسطین، سرزمین خود را آزادکند و هویت خود را اثبات کرده، طرح خود را سامان‌دهد چراکه تنها جایگزین عامل خارجی، عامل درونی فلسطینی‌هاست» (موسوی، ۱۳۸۲: ۶۲).

لازم به ذکر است که حماس با وحدت عربی یا برقراری امت واحده ی عربی، مخالف نیست، ولی بر این باور است که عامل درونی بر دو عامل پیرامونی و خارجی، اولویت دارد. البته این، به معنی نادیده‌انگاشتن دو عامل مذکور نیست. حتی شاهدیم که برخی رهبران این جنبش، این نکته را که ممکن است در آینده، آزادسازی فلسطین به دست یکی از کشورهای منطقه صورت‌گیرد، رد کرده، بیان می‌کنند که حتی ممکن است، چنین اتفاقی در سایه بیداری اسلامی رقم‌بخورد؛ البته

۱. <http://www.isna.ir/news/> ۹۴۱۲۱۲۰۸۱۹۶ / مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

باید توجه داشت که چنین امری به این معنی نیست که درنهایت، عامل خارجی بر عامل داخلی تأثیر خواهد گذاشت و آزادسازی فلسطین، محقق خواهد شد بلکه رهبران این جنبش معتقدند که سازه‌های سیاسی و نظامی داخلی فلسطین، پایه اصلی راه‌حل‌هاست که کارآمدی آن، با پشتیبانی عمق عربی و اسلامی افزایش خواهد یافت.

۱-۳ هویت عربی _ اسلامی

یکی دیگر از بنیان‌های نظری جنبش حماس، تأکید بر دو هویت عربی و اسلامی در تعامل و همگون با هم است به طوری که رهبران این جنبش، همواره بر این بودند که فلسطین، یک کشور مسلمان عرب است؛ از این رو، در راهبردهای دفاعی خود، هیچ‌گاه درخواست کمک از کشورهای عربی را کنار نگذاشته‌اند بلکه برعکس تأکید دارند که با کشورهای عربی رابطه داشته باشند؛ البته از آنجاکه آرمان این جنبش، تشکیل دولتی اسلامی است و [رهبران آن] در این راه، تلاش‌هایی بسیار نیز انجام داده‌اند، تأکید و تمرکز بر هویت عربی، هیچ‌گاه به معنی گرایش‌های پان‌عربیستی این جنبش نبوده‌است بلکه همگونی این دو، محل تمرکز آنهاست؛ در همین راستا، از دیدگاه حماس، چون قدس به فلسطین، محدود نیست، مسئولیت دفاع از آن، تنها متوجه فلسطینی‌ها نیست بلکه مسلمانان همه در برابر آن وظیفه دارند؛ از این رو، در عرصه بین‌المللی، خود را یک کشور عرب مسلمان می‌داند که به هیچ‌وجه برادران عرب خود را رهان نخواهد کرد و به همین سبب است که این جنبش بیان کرده‌است که در صورت تهدید شدن یکی از کشورهای منطقه با این دو ویژگی، این جنبش از آن کشور حمایت خواهد کرد.

همچنین، حماس معتقد است که مسئله فلسطین، محوری‌ترین آرمان امت عرب و جهان اسلام است؛ با چنین نگاهی، این جنبش، قلمرو فعالیت خود را در دو سطح مردم و ساختار رسمی سیاسی پی می‌گیرد.

در عرصه اول، حماس می‌کوشد با کشورهای عربی، به‌ویژه کشورهای پیرامونی فلسطین به‌طور مستقیم ارتباط برقرار کرده، بر موضع‌گیری آنها به‌خصوص مخالفت با صلح (با اسرائیل) تأثیر بگذارد.

عرصه دوم حماس، یعنی عرصه ارتباط با توده‌های مردم، بیشترین نزدیکی را با خط‌مشی این جنبش دارد. همکاری مشترک با جنبش‌های اسلامی و عرب در منطقه به‌منظور مقابله با موافقت‌نامه‌های فلسطینی _ اسرائیلی و دیگر توافقی‌های امضاشده و در معرض امضا از رویکردهای

مهم حماس به‌شمار می‌رود؛ در واقع حماس به‌طور عمده، روی این جنبش‌ها تکیه می‌کند، زیرا معتقد است که این جنبش‌ها، ابتکار عمل آینده منطقه را طی چند دهه آینده و شاید طی سال‌های آتی به‌دست خواهند گرفت؛ هدف مشترک این نیروها در چشم‌انداز آتی، مبارزه با عادی‌سازی مناسبات با اسرائیل و تهاجم فرهنگی خواهد بود؛ به‌هر حال، آنچه مهم است، اینکه جنبش حماس بر ایدئولوژی عربی در کنار اسلام تأکید دارد.

۱-۴ جهاد و شهادت

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأکیدی اسلام‌گرایان فلسطین به‌خصوص جنبش مقاومت اسلامی، پیکار در راه مبارزه با متجاوزان است که در قالب جهاد مفهوم‌پردازی می‌شود؛ نگرش رهبران این جریان در قبال جهاد، این‌گونه است که آنها جهاد را به‌مثابه قالبی برای ترسیم روند پیروزی می‌دانند چراکه کشتن در راه جهاد، شهادت است که خود پیروزی بزرگ نامیده می‌شود «فوز عظیم» و بهره‌مندی از آن در مقابله، نیروساز بوده، تربیت‌کننده است؛ در نگاه این جنبش، همگونی جهاد و شهادت در فرایند مبارزه، هم زمینه‌ساز تشکیل دولتی است که آرمان دیرین آنان بوده است و هم مانعی پایدار در برابر نفوذ نظامی اشغالگران (عزام، ۲۰۰۷: ۱۷۹) خواهد بود؛ از این رو می‌توان گفت که دو مقوله جهاد و شهادت در هندسه سیاسی حماس، سنگ بنای اقدام در مسیر تشکیل دولت اسلامی و تحقق آرمان‌های بنیادین این جنبش محسوب می‌شوند.

۲- نظر به پردازان فرهنگ سیاسی حماس

۱-۲ شیخ احمد یاسین

شیخ احمد یاسین (رهبر معنوی حماس) به‌رغم فلج بودن، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در فلسطین، برای ادامه تحصیل راهی قاهره شد و به‌مدت یک سال در دانشگاه «عین الشمس» به تحصیل پرداخت. او به دلیل فقر نتوانست به تحصیلات خود ادامه دهد. شیخ احمد یاسین در جریان اقامت در مصر با جمعیت «اخوان المسلمین» مصر پیوند دوستی برقرار کرده، سپس در دهه ۱۹۷۰، «مجمع اسلامی» را در فلسطین تأسیس کرد که بعدها این مجمع به سازماندهی بسیج نظامی جوانان فلسطین پرداخت. شیخ احمد یاسین در آغاز دهه ۱۹۸۰ و در اوج پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان اسلامی «مجد المجاهدین» را تأسیس کرد؛ پس از چهار سال، رژیم صهیونیستی، وی را به اتهام داشتن اسلحه و مواد منفجره دستگیر و زندانی کرد و او یک سال را در زندان‌های اسرائیلی سپری کرد؛ سپس به

تشکیل جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» پرداخت که در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۷ در آغاز انتفاضه اول، این جنبش به طور رسمی، موجودیت خود را اعلام کرد.

سال ۱۹۶۸ میلادی، طی تغییر و تحولی داخلی در ساختار تشکیلاتی / اخوان المسلمین، اسماعیل خالدی، جای خود را به شیخ احمد یاسین داد. یاسین که آرمان تشکیلات را فراتر از ساختار اخوان می دید، هم‌زمان با روی کار آمدن، ضمن تشکیل کمیته‌های متعدد، جوانان مستعد و عضو جنبش را به خدمت گرفت. ایشان که معتقد بودند تنها راه تغییر شرایط آن زمان جهان عرب، جهاد است، ضمن فراهم آوردن زمینه‌های انجام عملیات جهادی، بسترهای فکری- ارزشی لازم را در میان نیروهای خود گسترش داده، طی روندی تدریجی ارتقا بخشید؛ در همین راستا می‌توان گفت که انتفاضه ۱۹۸۷، نتیجه کارهای تشکیلاتی شیخ یاسین بود.

در منظومه فکری شیخ احمد، جهاد، ابزاری است برای آزادسازی فلسطین به منظور نیل به اندیشه تشکیل دولت اسلامی؛ از این رو بیان شده: «دولت فلسطینی می‌خواهد مرزهای آن، مرزهای معروف فلسطین باشد؛ به همین دلیل تا اتمام مرحله آزادسازی فلسطین، به وظیفه خود ادامه می‌دهیم».

۲-۲ خالد مشعل

خالد مشعل، متولد ۱۹۵۶ رام‌الله بوده که هنگام سپری کردن دوره تحصیلات دانشگاهی اش در کویت، رهبری اتحادیه دانشجویان فلسطینی این سامان را بر عهده داشت. او به‌عنوان یکی از اولین اعضای حماس، در سال ۱۹۹۶، رئیس دفتر تشکل شد.

خالد مشعل که در دوران مدیریت سیاسی خود سعی کرده‌است، تمامی اطراف عربی _ اسلامی را با جنبش حماس همراه سازد، با موضع‌گیری‌های متناقض، از سوی برخی همراهان دیرین جنبش مانند ایران و سوریه، کارت تذکر گرفت ولی با وجود این، نگرش ایشان در خصوص مقولاتی نظیر تشکیل دولت اسلامی در فلسطین، آزادسازی تمامی اراضی اشغالی فلسطین، مبارزه با رژیم صهیونیستی و همچنین تمسک به جهاد برای تحقق آرمان آزادی و تشکیل دولت اسلامی، در چارچوب همان رویکرد کلی جنبش قرار دارد.

بر اساس این، مشعل معتقد است که مقاومت اسلامی فلسطین، تا آزادسازی کامل سرزمین‌های اشغالی از نبرد و مبارزه با نیروهای صهیونیستی دست‌برنخواهد داشت و در همین راستا، جهاد و مبارزه با نیروهای دشمن را به‌مثابه برگی زرین در تاریخ سیاسی نیروهای این جنبش شمرده، معتقد است که

۱. <http://ghassam.persianblog.ir/post/12> / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

شهادت، نماد پیروزی و نیل به حیات جاودان در اندیشه حماس است؛ علاوه بر این، طی سخنانی بیان کرده است که جهاد تا روز قیامت ادامه خواهد داشت (جراعه، ۲۰۱۰: ۷۳).

۳-۲ عبدالعزیز رنتیسی

دکتر عبدالعزیز علی عبدالحفیظ الرنتیسی در تاریخ ۱۹۴۷/۱۰/۲۳ در روستای یبنا (بین عسقلان و یافا) دیده به جهان گشود؛ خانواده اش پس از جنگ ۱۹۴۸ به نوار غزه، پناهنده شد و در اردوگاه آوارگان خان یونس سکنی گزید. آقای رنتیسی در سال ۱۹۷۶ به غزه بازگشت و به شاخه فلسطینی اخوان المسلمین که در مصر شکل گرفته بود، پیوست؛ بعدها و در کنار شیخ احمد یاسین، جنبش حماس را پایه گذاری کردند؛ او پس از شهادت شیخ یاسین تلاش کرد تا روحیه انقلابی گری و مبارزه طلبی را بیش از پیش به جمهور مردم القاکند؛ از این رو، دسته های اعتراض و تظاهرات ضد رژیم صهیونیستی را راه اندازی کرد؛ البته ناگفته نماند که در همان دوران رهبری شیخ احمد یاسین، دکتر رنتیسی، سخن گوی این جنبش و سرپرست شاخه سیاسی آن بود. روحیه مبارزه طلبی و جهادی ایشان به گونه ای بود که بیان کرد: «مقاومت و اسلحه، تنها راه برای کسب پیروزی و آزادی سرزمین ماست» یا اینکه پس از شهادت شیخ احمد یاسین، گفت که جنبش حماس، به اسرائیل، چنان درسی خواهد داد که اسرائیلیان در هیچ کجا امنیت نداشته باشند؛ خود چنین گفته ای موجب شد که اسرائیل از همان روزهای آغازین مسئولیت ایشان، ترور ایشان را در صدر برنامه های امنیتی خود قرار دهد.

پس از حادثه المقطوره، رهبران اخوان در نوار غزه، جلسه ای به ریاست رنتیسی ترتیب داده، تصمیمی را مبنی بر آغاز انتفاضه در نوار غزه اتخاذ کردند و پس از شکل گیری مقاومت اسلامی، انتفاضه از سر گرفته شد که در پی آن، مرحله ای نو از روند مبارزاتی فلسطینی ها دوباره آغاز شد.

۳-۴ اسماعیل هنیه

اسماعیل عبدالسلام احمد هنیه، ملقب به ابو العبد در سال ۱۹۶۳ در غزه (اردوگاه الشاطی) به دنیا آمد؛ محل اصلی زندگی خانواده اش پیش از آوارگی، روستای الجوره در عسقلان اشغالی بوده است؛ وی از مارس سال ۲۰۰۶ تا ژوئن ۲۰۰۷، نخست وزیر دولت خودگردان فلسطین بود.

هنیه که از همراهان و مسئول دفتر شیخ احمد یاسین بود، در میان مردم فلسطین، به میانه روی، مشهور است؛ از همین رو، وی همواره بر وحدت فلسطینیان تأکید کرده است.

ایشان در خصوص جنبش حماس بیان می کند که اگرچه حوزه فعالیت این جنبش، به اراضی فلسطین، محدود است، آرمان فلسطین برای تمامی جوامع اسلامی _ عربی قابل احترام بوده، می بایست

تمامی کشورهای اسلامی _ عربی از هیچ کمکی به انتفاضه دریغ نکنند؛ در همین خصوص، مقاومت و جهاد را مسیری برای آزادسازی فلسطین دانسته، می گوید که مقاومت، سیاست دائمی ملت فلسطین است؛ ایشان در دیداری که سال ۱۳۹۰ با رهبر معظم انقلاب داشته اند، سه راهبرد جنبش حماس و مقاومت فلسطینی را این گونه برشمرد: «آزادی همه سرزمین های فلسطینی از بحر تا نهر، تأکید بر مقاومت و نپذیرفتن گفتگوهای سازش و تأکید بر اسلامی بودن قضیه فلسطین، سه راهبرد اصلی ما هستند».^۱

۲-۵- عزت رشتی

عزت رشتی که از رهبران و مؤسسان جنبش حماس در فلسطین به شمار می رود، تأکید بر «مقاومت، مبارزه و جهاد در راه خدا» را رمز پیروزی بر دشمن صهیونیستی برشمرده، معتقد است که فلسطین، محوری است عربی _ اسلامی که ضروری است تا تمامی کشورهای عربی و اسلامی منطقه به آن اهمیت دهند؛ در همین راستا می گوید: «مضمون پیامی که برای دشمن صهیونیستی داریم، نابودی و زوال است. تا زمانی که آنها به روند جنایت های خود ضد ملت فلسطین ادامه می دهند و هزاران هم وطن ما را در زندان های خود حبس می کنند، حماس از هیچ تلاشی برای مقاومت و بیرون راندن اشغالگران فروگذاری نخواهد کرد. مقاومت، گزینه ای است که کارایی اش در زمینه نابودی اشغالگران و به لرزه درآوردن پایه های رژیم سست و بی بنیانشان به اثبات رسیده است.».

علاوه بر این، می توان نگرش ایشان در خصوص مقوله شهادت را در این گفته های او شاهد بود: «حماس در این راه، بنیان گذار خود و برترین رهبرانش را تقدیم کرد و همچنان هم به فداکاری های خود ادامه می دهد و برای بیرون راندن اشغالگران و نابودی آنها از همه چیز خود مایه می گذارد تا ملت فلسطین در سرزمین خویش، آزاد و عزتمند زندگی کنند» (الجریاوی، ۲۰۰۹: ۲۲۶).

۲-۶- موسی ابومرزوق

دکتر موسی ابومرزوق که یکی دیگر از رهبران حماس است، بر دو مقوله آزادی و مقاومت تأکید داشته، بیان می کند که «ملت فلسطین به رغم تمامی سختی ها و مشکلات، قهرمانانه پایداری کرده، با خون فرزندان، مسیر آزادی را ترسیم می کند»؛ همچنین درباره کمک کشورهای عربی به فلسطین در مقابله با نیروهای رژیم صهیونیستی، نبود جدیت در این مبارزه را مایه تأسف دانسته، ضمن اشاره به ضعف اسرائیل، بر مقاومت و جهاد نیروهای فلسطینی تأکید می کند (صایغ، ۲۰۱۰: ۸۴)؛ علاوه بر این،

۱ . <http://ghassam.persianblog.ir/post/12> / مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

ایشان، مقاومت جنبش حماس در برابر اسرائیل را به‌خصوص در جریان جنگ اخیر غزه، به‌مثابه الگو و نمادی می‌داند که می‌توان از آن به‌عنوان سمبلی برای مبارزه یادکرد؛ از این رو، یادآور می‌شود که هیچ‌کس نمی‌تواند مقاومت را خلع‌سلاح‌کند و تنها راه پیش روی ما، تقویت مقاومت و پیشرفت آن است (الفالوجی، ۲۰۰۲: ۱۲۸).

۳. مدل مفهومی پژوهش جایگاه جهاد و شهادت در روند دولت‌سازی حماس

واکاوی منظومه فکری جنبش حماس به‌عنوان جنبشی مبتنی بر اندیشه مذهب اهل سنت، نشان می‌دهد که این جنبش، به‌دنبال تشکیل دولتی اسلامی است که برپایه هویت عربی - اسلامی، آزادی و اندیشه عدالت‌خواهی تلاش دارد تا با مبارزه با نیروهای صهیونیستی و آزادسازی اراضی اشغالی فلسطین از طریق جهاد و شهادت، چنین آرمانی را محقق‌سازد؛ براساس این می‌توان گفت که قالب نظری و چارچوب نگرشی این جنبش در اقدام‌های سیاسی - نظامی خود، طبق الگویی که در ادامه می‌آید، قابل ترسیم است.

۳-۱ مقاومت

یکی از اصول نظری که جنبش حماس در راهبردهای سیاسی و نظامی خود، همواره بر آن تأکید داشته و اصرار دارد که بخشی وسیع از مواضع خود را تحت رایت آن به‌تصویرکشد، مقاومت است؛ مفهوم مقاومت در این نگاه، پایداری بر مواضع و مبانی نظری گفتمان اسلامی خود در راه دفاع از میهن، سرزمین، دین و آیین است؛ به همین دلیل می‌توان گفت که اندیشه مقاومت در نظام فکری و منظومه کنشی این جنبش، از همان روزهای نخستین، در سرفصل نگرش و کنش آن به‌مثابه بینشی مبتنی بر باورهای دینی وجود داشته‌است. ویژگی‌های «مقاومت» در نگاه حماس، شامل اسلامی‌شدن مبارزه‌ها، نقش مساجد در مبارزه‌ها، انتقال مبارزه‌ها از خارج به داخل سرزمین‌های اشغالی، مردمی و فراگیرشدن مبارزه و استمرار و تداوم مبارزه‌هاست (دبیری مهر، ۱۳۴۲: ۱۴۱ و ۱۴۲).

۳-۲ هویت عربی - اسلامی

در نگاه جنبش حماس، مسئله فلسطین، اساسی‌ترین و محوری‌ترین آرمان امت عربی و همچنین جهان اسلام است؛ از این رو، به‌رغم اینکه نشر گفتمان اسلام‌گرایی و ارزش‌های اسلامی در فلسطین را در سرفصل اقدام‌های خود دارد، هیچ‌گاه اسلام را از عرب‌گرایی جدا نمی‌کند بلکه برعکس اصرار دارد که بر همگونگی و هم‌افزایی این دو مقوله در مسیر نیل به آرمان آنها که تشکیل دولتی اسلامی است،

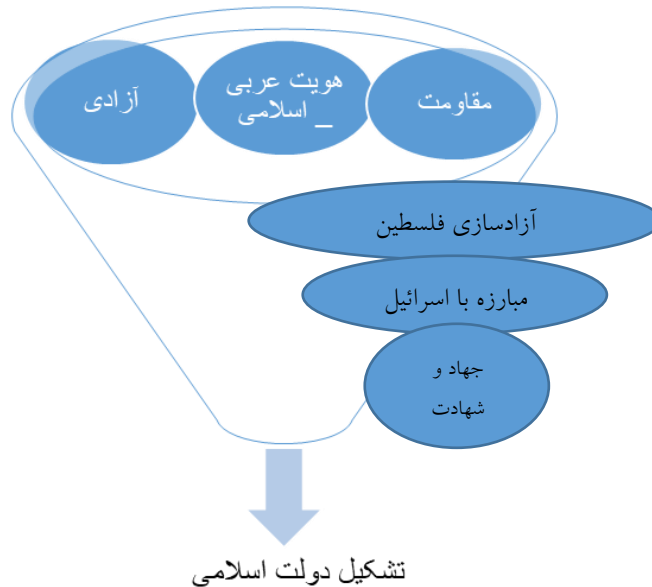
تأکید داشته باشد (دکمجیان، ۱۳۹۰: ۳۵۵)؛ به همین دلیل، در بیانیه‌ها و ادبیات سیاسی حماس، بر مسئله فلسطین، به‌عنوان محوری برای تحقق آزادی جهان اسلام به‌خصوص قدس شریف، تأکید و تمرکزی شود و همچنین از دیدگاه این جنبش، مسئولیت در برابر قدس، جنبه فلسطینی یا جنبه عربی ندارد، بلکه مسئولیتی است که تمامی اعراب و مسلمانان در برابر آن وظیفه‌دارند و ضروری است تا نسبت به آن، به‌طور جدی اهتمام داشته‌باشند چراکه قدس، نماد جهان عرب و اسلام است.

۳-۳ آزادی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی و مبنایی در اندیشه حماس، آزادی است که به‌طور مشخص در قالب آزادی اراضی اشغالی فلسطین نمود پیدامی‌کند. آزادی در نگاه این جنبش، رسیدن هر فرد به حقی است که طبیعت در اختیار او قرار داده‌است؛ از این‌رو به دلیل شرایط سیاسی _ امنیتی شکل‌گرفته برای مردم فلسطین، آنچه از آزادی در تعریف و مرام این جنبش رخ می‌نماید، همان تعریف حداقلی از آن است، به این معنی که مردم فلسطین، چیزی را فراتر از حق خود نمی‌خواهند بلکه تمامی تلاش‌ها و راهبردهای آنها برای رسیدن به آرمان خود که همان آزادسازی اراضی اشغال شده‌است، تجمیع می‌شود.

بدین ترتیب، هدف اولیه حماس، اجبار صهیونیست‌ها به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی است؛ آنها برای دستیابی به این هدف، به روش‌هایی گوناگون، متوسل شده‌اند؛ این جنبش در روند آزادسازی به پایه‌های ایدئولوژیک، ملی‌گرایانه، ناسیونالیستی و سیاسی تکیه کرده، مقاومت در برابر اشغالگری را فریضه‌ای دینی اعلام کرده و بنابراین تلاش کرده‌است تا نه تنها مردم فلسطین که توده‌های مردم جهان را برای حمایت از خود همراه‌سازد؛ از همین‌رو، این جنبش سعی دارد تا دو مقوله جهاد و شهادت را برای نیل به این دو امر و رسیدن به هدف نهایی که همان تشکیل دولت اسلامی است، میان مردم و نخبگان سیاسی _ امنیتی نشردهد و به‌نوعی، باور عمومی را در مسیر جهاد در راه خدا و شهادت در مسیر دفاع از دین، آیین و حیثیت ملی قرار داده، تثبیت‌کند.

شکل ۱: تشکیل دولت اسلامی



منبع: نگارندگان

الف- نقش جهاد و شهادت در روند دولت‌سازی حماس

۱- جایگاه جهاد در جنبش حماس

جهاد در فرهنگ سیاسی اسلام، به‌مثابه قله حضور در عرصه جامعه و کمک به باور و وطن بوده و همیشه در مذاهب مختلف اسلامی به آن تأکید شده‌است. در اندیشه اهل سنت هم، جهاد، جایگاهی رفیع دارد به‌گونه‌ای که جهادگران میدان نبرد سخت و نرم، صراطی مستقیم را می‌پیمایند که سرانجام آن، بهشت برین است؛ از این رو، جنبش حماس به‌عنوان مجموعه‌ای با مذهب سنی، جهاد در راه خدا را بهترین اقدام برشمرده، از آن به‌عنوان دروازه‌ای برای آزادسازی اراضی اشغالی و تشکیل دولت اسلامی یاد می‌کند؛ جنبش حماس با این باور دینی و سیاسی خود که سرزمین فلسطین «سرزمین وقفی اسلامی است که هیچ‌دولت یا سازمانی نمی‌تواند از یک وجب آن چشم‌پوشی کند» و نیز «جهاد، تنها

راه آزادی سرزمین فلسطین است و بازپس‌گیری مقدسات آن و آزادسازی فلسطین، جز از راه جهاد و بسیج نیروهای اسلامی در راه پیکار آزادی‌بخش، ممکن نیست»، در واقع آزادسازی همه فلسطین را هدف راهبردی (استراتژیک) خود می‌داند که برای تحقق آن هم در استراتژی و هم در تاکتیک تلاش می‌کند. روحیه جهاد در این نگاه، چون بر نوعی باور مستحکم دینی استوار است، به صلابت در عملکرد نیز منتهی خواهد شد به‌گونه‌ای که حماس، معتقد است که پیروزی در پیکار ضد صهیونیسم، به‌رغم شرایط بازدارنده حاکم بر ملت فلسطین و ملت‌های عرب و اسلام، قطعی است.

در همین راستا، این جنبش از روش مقاومت در چارچوب جهاد در راه خدا به‌مثابه پایه تعامل با اشغالگران بهره‌می‌گیرد زیرا از دیدگاه این جنبش، اسرائیل برپایه اشغال، تروریسم و زور استوار شده است. جنبش حماس، معتقد است که انجام این تکالیف بر همه مسلمانان، واجب است. در مرام‌نامه حماس آمده است: «روزی که دشمنان، بخشی از اراضی مسلمانان را غصب می‌کنند، جهاد فریضه عینی همه مسلمانان است و در مقابل غصب سرزمین فلسطین از سوی یهودیان، پرچم جهاد باید برافراشته شود و روح جهاد در امت برای شتافتن به مبارزه با دشمنان و پیوستن به صفوف مجاهدان دمیده شود» (النواتی، ۲۰۰۲: ۷۵).

حماس، جهاد و مقاومت را به معنای وسیع آن می‌فهمد و می‌گوید: «جهاد، فقط حمل سلاح و پیکار با دشمن نیست؛ گفتار نیک، نوشته‌های ارزنده و کتاب‌های مفید و همیاری و همبستگی، همه و همه در صورت خلوص نیت برای برافراشتن پرچم خدا، جهاد در راه خدا به‌شمار می‌روند»؛ این جنبش، بارها تأکید کرده است که خط مقاومت و جهاد، کارآمدترین روش در راه تحقق آزادی و بیرون‌راندن اشغالگران است (خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۴۲)؛ در واقع، حماس به مقوله جهاد به‌مثابه انباشتی از عزم و اراده می‌نگرد که کارآمدی آن با گذشت زمان آشکار می‌شود؛ در این نگاه، هنگامی که منظومه‌ای از ستارگان جهاد به حرکت درمی‌آیند، منظومه‌هایی دیگر برای پیوستن به آنها تشکیل می‌شوند و بدین ترتیب، جهاد و مقاومت، راهی است که ملت‌ها با به‌کارگیری آن، حیات بالنده پیدامی‌کنند و در مقابل، دشمنان به‌ستوه خواهند آمد.

حماس بر این باور است که عملیات شدت‌اشغالگران، پایه اصلی برنامه رویارویی با طرح صهیونیسم به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر، پایه بهبود فعالیت‌ها و نیروهای امت برای قیام و ایستادگی در کنار ملت فلسطین و رهایی‌اش از چنگ اشغالگران محسوب می‌شود؛ البته باید اشاره کرد که جهاد در اندیشه حماس، با گفتمان مقاومت پیوندخورده است به‌گونه‌ای که رهبران کنونی این جنبش، منظومه

مقاومت را سنگ آسیاب جنگ و جهاد دانسته، برای نمونه بیان می‌کنند که دلیل پیروزی نیروهای فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه، مقاومت و هم‌صدایی فلسطینی‌ها در این مسیر بوده‌است و در همین راستا، گروه‌های فلسطینی اعتقاد دارند که فلسطین، جز با ادامه راه مقاومت و پایداری، به صاحبان اصلی خود باز نخواهد گشت و راهکار سازش، ملت فلسطین را به جایی نخواهد رساند (أبوشنب، ۲۰۰۰: ۱۶۲).

از سوی دیگر، به دنبال شهادت عزالدین قسام، شاهد قیام فلسطینی‌ها ضد ارتش انگلیس و صهیونیست‌ها هستیم (جبارین، ۲۰۱۲: ۲۹۳)؛ بدین ترتیب، به هنگام جستجو درباره مصادیق جهاد در فرهنگ سیاسی حماس باید توجه داشت که از اساس، جهاد و مبارزه با روح و روان فلسطینی‌ها پیوند یافته‌است به گونه‌ای که امروزه نمی‌توان جهاد و مبارزه را به برخی گروه‌های سیاسی مانند حماس محدود ساخت و لی از آنجا که جنبش حماس، به‌طور صرف، گروهی مبارزاتی و مجموعه‌ای نظامی نیست، مقوله جهاد و مصادیق آن در اندیشه و عمل آنها، به گونه‌ای دیگر نمود دارد.

به هر حال، طبق تعریف جنبش حماس از جهاد، مصادیق عملی جهاد را می‌توانیم در عرصه نظری و سیاست‌ورزی و همچنین، نبردهای میدانی، شاهد باشیم؛ بر اساس این، می‌توان مصادیق عملی جهاد را در منظومه گفتمانی این جنبش در دو بُعد سیاست‌ورزی و نبرد میدانی دید؛ از این رو، رایزنی‌های سیاسی رهبران این گروه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، در نگاه این جنبش، جهاد است؛ در همین راستا، فعالیت‌های کلی سیاسی با هدف مبارزه ضد اشغالگران اسرائیلی نیز جهاد به‌شمار می‌رود؛ تظاهرات، اعتصاب‌ها و شعارنویسی‌ها از جمله این فعالیت‌ها هستند که جنبه مدنی و سیاسی دارند؛ نمونه‌های عملی این اقدام‌ها را می‌توان در تظاهرات و راه‌پیمایی مردم، هنگام تشییع نیروهای خود یا در پاسخ به حملات ناجوانمردانه صهیونیست‌ها به زنان و کودکان فلسطینی و اسارت آنها شاهد بود.

چارچوبی دیگر که فلسطینی‌ها برای جهاد تعریف کرده‌اند، نبرد نظامی و مبارزه میدانی است که به‌خصوص با شکل‌گیری گردان‌های عزالدین قسام، بیشتر و بیشتر هم شده‌است؛ از زمان تشکیل این گروه، گردان‌های قسام، به‌مثابه بازوی نظامی حماس ضد اشغالگران صهیونیستی به‌شمار رفته‌اند؛ البته ناگفته‌نماند که جنبش حماس در تعامل با اشغالگران، تنها زمانی به فعالیت نظامی تن داد که همه ابزارهای مسالمت‌آمیز سیاسی بدون آنکه نتایجی ملموس برای ملت فلسطین داشته‌باشند، به‌کار گرفته شدند.

۲- جایگاه شهادت در جنبش حماس

از اساس در اندیشه اسلامی، شهادت در مرتبه‌ای بالاتر از مرگ و نابودی (که در جامعه مدرن، مفاهیمی تابو و نامرئی به‌شمار می‌روند) بوده، به‌نوعی، مرگ در اسلام، حرکت برای زیستن در حیاتی برتر است؛ در همین راستا، مرگ در مسیر جهاد در راه خدا، شهادت نام‌گرفته، فرهنگ جامعه را رنگ و بویی دیگر می‌دهد؛ جنبش حماس به‌عنوان جریانی اسلام‌گرا، از این مقوله مستثنی نبوده، شهادت را دروازه‌ای برای ورود به بهشت ترسیم می‌سازد؛ از این رو، همواره رهبران این گروه و همچنین نیروهای میدان مبارزه، بیان می‌کنند که چون پایان مسیر ما، شهادت است و در سرایی جاویدان سکنی خواهیم گزید، پس مرگ، رسیدن به مطلوب برتر است.

بر اساس این، مقاومت و پایداری بر آرمان‌های دینی و ارزش‌های مذهبی و همچنین امنیت ملی خود را اصلی تغییرناپذیر به‌حساب می‌آورند؛ بر مبنای همین نگاه، شهادت یکی از ارزش‌های اجتماعی اصلی و تأثیرگذار تکثیرشده در عرصه اجتماعی فلسطین است، الگوی رایج مرگ در دوران مدرن را متحول ساخته، به‌طور مشخص، منظومه فکری سربازان صهیونیستی و سیاست‌های این رژیم را در مقابله با مردم فلسطین به‌چالش می‌کشد چراکه این خود، به نیروهای جهادگر صلابت می‌دهد که هر روز بر قدرت نبرد و اراده دفاع از حیثیت ملی‌شان تأکید می‌کنند؛ تحت چنین اندیشه‌ای است که حماسه و اقدام‌های شهادت‌طلبانه نیروهای مردمی فهم می‌شود چراکه در قالب معنایی شهادت در نظام اندیشگانی جنبش حماس، مرگ به معنی نیل به برترین جایگاه در سرای باقی است و به‌نوعی، حیات دوباره است.

بر این مبناست که شیخ احمد یاسین همواره اشاره می‌کرد که هنگام افزایش توانمندی، روش مبارزه خود با صهیونیست‌ها را از سنگ به سلاح پیشرفته تغییر خواهند داد؛ این نوع نگاه، به خوبی، نگرش حماس را جمع به مقوله‌ی مرگ و شهادت را به تصویر می‌کشد؛ بنابراین می‌توان گفت که در نگاه این جنبش، شهادت، سرانجام دفاع از آرمان فلسطین و وطن و حفظ امنیت ملی و تلاش برای تشکیل دولتی مبتنی بر اندیشه اسلامی است؛ طبق این نگاه هر عضو حماس با دفاع و فداکارکردن تن خود برای دفاع از میهن و در راه حق، به اسطوره و اسوه دیگران تبدیل می‌شود و راه راستین را برای آیندگان کدگذاری می‌کند.

جهاد، وسیله‌ای برای همین منظور است که ممکن است به شهادت هم منجر شود؛ البته باید توجه داشت که این تعابیر به‌طور الزامی، به معنی کشته‌شدن در میادین جنگ نیست؛ بر اساس این

است که می‌توان مدعی بود، در نگرش حماس، شهادت و جهاد در قلمرو حقیقت، قابل فهم و درک هستند و بیرون از آن، نامفهوم‌اند و از اساس، شهادت زمانی رخ می‌دهد که جهاد، پیش‌گام باشد و جهاد هم، همان جنگ برای حقیقت است.

آنچه در خصوص شهادت و بروز و ظهور بیرونی آن، لازم است، یادآوری شود، این موضوع است که گاهی اوقات، جایگاه شهید و سن و سال آن، بازتابی متفاوت را به دنبال خواهد داشت به گونه‌ای که نمی‌توان میان شهادت کودکی شیرخوار با بیرمردی کهن‌سال، تمایزی در نظر گرفت چراکه حس عاطفی و درک احساسی ناشی از شهادت یک کودک بی‌گناه، به مراتب بیشتر است؛ برای همین، اقدام‌های رژیم صهیونیستی با اندیشه نسل‌کشی فلسطینی‌ها، در به شهادت رساندن کودکان و زنان، بیشتر مردم این کشور را ضد این رژیم به قیام برمی‌انگیزد.

۳- نقش جهاد و شهادت در تشکیل دولت اسلامی حماس

۳-۱ نقش جهاد در تشکیل دولت اسلامی

همان‌طور که در سطور گذشته نیز یادآوری کردیم، سیل هدف جنبش حماس، تشکیل دولتی اسلامی است که خواهان اجرای احکام و اصول دین مبین اسلام در خاک فلسطین است؛ این دولت، بر پایه آیین اسلام سنی و هویت عربی، پایدار خواهد بود؛ از این رو، جنبش حماس، همواره در کنار هویت اسلامی خود، بر هویت عربی مردم فلسطین نیز تأکید می‌کند و به همین سبب، شاهدیم که جهاد خود را جهاد در راه خدا برای پاسداشت همین هویت عربی - اسلامی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن آن می‌نامد (القصاص، ۲۰۰۷: ۸۸). از آنجاکه (همان‌طور که پیش‌ازین یادآور شدیم) جهاد در اندیشه حماس، به‌طور صرف، نبرد در میدان را شامل نمی‌شود بلکه تلاش‌های فرهنگی - سیاسی هم در زیرمجموعه جهاد تعریف می‌شوند، تلاش‌های این جنبش در مسیر مشروع‌سازی برای خود، زمینه‌ای به‌منظور تشکیل دولت اسلامی و نیز، به‌مثابه جهاد به‌شمار می‌روند لذا می‌توان گفت که جهاد در نگرش و کنش این جنبش، به‌مثابه پلکانی برای نیل به دولت اسلامی است و از اساس، بدون جهاد مبتنی بر گفتمان مقاومت، امکان تحقق دولت اسلامی وجود ندارد چراکه در بدو امر می‌بایست اراضی اشغالی را از دست نیروهای اشغالگر رهایی بخشید و سپس، به تشکیل دولت اقدام کرد.

بنابراین و با عنایت به اینکه تحقق مشروعیت سیاسی، یکی از هدف‌های مهم نیروی سیاسی پس از اعلام موجودیت است، نیروهای مقاومت اسلامی فلسطین، به‌خصوص رهبران آنها، تمام تلاش

خود را در این راستا از طریق پیگیری اقدام‌های نظامی و غیرنظامی صرف‌می‌کنند چراکه طی چنین شرایطی، روابط ساختاری میان مشروعیت نیروهای سیاسی _ نظامی و میزان مقاومت آنها در برابر اشغالگران شکل‌می‌گیرد. مشارکت وسیع و فعال جنبش حماس در انتفاضه و هزینه‌هایی که این جنبش در شکل بازداشت، تبعید و شکنجه پرداخت کرده و فهرستی بلند از شهدای تقدیمی و نیز همکاری و همیاری مدیریتی و نظامی به فلسطینی‌ها، همگی عواملی هستند که پایگاه اجتماعی حماس را متسحکم ساخته‌اند. تحقق مشروعیت سیاسی برای جنبش حماس، نخستین و مهم‌ترین گام در راه اجرای برنامه‌های این جنبش در عرصه اجتماعی است؛ با تحقق این هدف، جنبش حماس، جایگاهی رفیع در معادله سیاسی داخلی (سرزمین‌های اشغالی) و بین‌المللی پیدا خواهد کرد.

بنابراین، نادیده گرفتن حماس در ساخت‌وساز سیاسی صحنه فلسطین و روند حل و فصل نهایی مسئله فلسطین، ناممکن به نظر می‌رسد؛ از اساس، خود چنین اقدام‌هایی در منظومه بینشی _ نگرشی حماس، به مثابه جهاد در راه خدا به‌شمار می‌رود چراکه این اقدام هم، مانند اقدام نظامی، در مسیر تشکیل دولت اسلامی است و در همین راستا شاهدیم که جنبش حماس، جهاد را در دو عرصه نظامی و غیرنظامی برای نیل به دولتی اسلامی پی‌می‌گیرد.

۳-۲ نقش شهادت در تشکیل دولت اسلامی

اثرگذاری شهادت در روند تشکیل دولت اسلامی فلسطین در دو سطح نیروبخشی و دیگری آرامش امنیتی، نمود خواهد یافت به این معنی که با شهادت نیروهای فلسطینی و مردم طی حملات اسرائیلی‌ها، راه نیل به دولتی اسلامی، ارزشمند شده، این موجب خواهد شد تا نیروهای حاضر در معرکه و میدان جنگ، مسیر حرکت خود را راهی سبز بدانند که پایان آن، همین آرمان شهادت و سکونت در بهشت است؛ چنین فضایی، موجب خواهد شد تا روند مبارزه و جهاد، موجی دیگر پیدا کند؛ همچنین می‌توان اثری را که شهادت در عمومیت‌بخشی به آرامش امنیتی _ روانی میان مردم و سیاست‌مداران حماس و عموم فلسطینی‌ها دارد نیز از جمله نقش‌های شهادت در تشکیل دولت اسلامی فلسطین در نظر گرفت که از سوی جنبش حماس پیگیری می‌شود؛ این آرامش، موجب خواهد شد تا به‌رغم مصیبت‌های بسیار و شرایط سخت زندگی، مردم و نیروهای نظامی _ سیاسی، هیچ‌گاه از اقدام‌های خود برای دفاع از فلسطین و تحقق دولت اسلامی، کوتاه‌نیابند؛ دلیل آن هم، این است که خود مقوله شهادت، در بنیان‌های اعتقادی و نظام ارزشی مردم مسلمان این دیار ریشه دارد لذا چنین شرایطی موجب خواهد شد تا شهادت و شهادت‌طلبی، جایگاهی رفیع در میان مردم این کشور

به خصوص اسلام‌گرایان داشته‌باشد.

علاوه‌براین، در اندیشه رهبران این جنبش و به‌طورکلی مردم فلسطین، قداست خون شهید موجب می‌شود تا گام‌های اولیه برای تشکیل دولت اسلامی که همان آزادسازی اراضی اشغالی است، سریع‌تر و راحت‌تر برداشته‌شود به‌گونه‌ای که *خلالد مشعل* می‌گوید: «خون این شهید (رتیسی) و دیگر شهدا به‌ثمرنشست و غزه را آزادکرد» (هلال، ۲۰۰۶: ۸۳).

نتیجه‌گیری

جنبش حماس به‌عنوان شاخه اخوان‌المسلمین فلسطین، ازجمله جنبش‌های سیاسی منطقه خاورمیانه به‌شمارمی‌رود که در کنار گروه‌های سیاسی _ نظامی دیگری همچون: فتح، خود را رهبر دفاع از قدس شریف و سرزمین فلسطین می‌داند؛ این گروه، بر این باور است که مسئله فلسطین، به حوزه جغرافیایی این کشور، محدود نیست بلکه به‌مثابه حیثیت جهان اسلام است؛ ازاین‌رو، همواره بر هویت عربی _ اسلامی خود و جنبششان تأکیدداشته، تمرکزمی‌کنند؛ این جنبش که تنی چند از رهبران آن، ازجمله شیخ *احمد یاسین*، *عبدالعزیز رتیسی* و کسانی دیگر، آن را تأسیس کرده‌اند، از همان بدو تأسیس تلاش کرده‌است تا خود را جامع تمامی گروه‌های سیاسی فلسطینی که آرمان آزادسازی فلسطین را درسردارند، قراردهد؛ ازاین‌رو در عرصه داخلی، تسامح مذهبی رهبران سیاسی این جنبش را شاهدیم.

بنابراین، جنبش حماس، چون خود را مدافع قدس و سرزمین فلسطین می‌داند و آرمانش را تشکیل دولتی اسلامی برمی‌شمرد، در این مسیر، اقدام‌های سیاسی و نظامی برنامه‌ریزی‌شده و چارچوبمندی داشته‌است که دفتر سیاسی به رهبری *خلالد مشعل* سعی می‌کند تا بخش سیاسی و دیپلماتیک را پی‌بگیرد و شاخه نظامی (گردان‌های عزالدین قسام) تلاش می‌کند تا نبردهای نظامی و میدانی را مدیریت‌کند؛ به همین دلیل است که رهبران این جنبش، همواره بر دو مقوله جهاد و شهادت و به‌خصوص جهاد تأکیددارند.

جهاد در اندیشه حماس، به‌طورصرف، جهاد نظامی و نبرد میدانی نیست بلکه اقدام‌های سیاسی و رایزنی‌های دیپلماتیک را نیز شامل شده، شهادت به‌عنوان بهترین و بزرگ‌ترین هدیه این مجاهدت است؛ این دو مؤلفه در سیری منطقی، دروازه ورود به تشکیل دولت اسلامی هستند که به‌نوعی، اولین مرحله دولت‌سازی را با آزادسازی فلسطین و مبارزه با رژیم صهیونیستی رقم می‌زنند؛ بدین ترتیب،

«جهاد» در نگاه جنبش حماس، عصای مبارزه و «شهادت» جاده مقاومت است.

منابع

۱- منابع فارسی

قرآن کریم

- دبیری مهر، امیر (۱۳۹۲)؛ *مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه*؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دکمچیان، هرایی (۱۳۹۰)؛ *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*؛ بررسی بنیادگرایی اسلامی؛ ترجمه حمید احمدی؛ تهران: کیهان.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۸)؛ *جنبش مقاومت اسلامی از آغاز تا انتفاضه*؛ تهران: نشر معارف.
- موسوی، سید حسین (۱۳۸۲)؛ *سیری در اندیشه سیاسی جنبش حماس*؛ تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۲- منابع عربی

- أبو شنب، إسماعیل (۲۰۰۰)؛ *حركة المقاومة الإسلامية «حماس»*؛ رام‌الله: المركز القومي للدراسات و التوثيق.
- بلقزیز، عبدالله (۲۰۰۷)؛ *فتح و حماس و الصراع على طعم قاتل*؛ القدس: ۲۰۰۷/۱/۱۳.
- جبارین، شعوان (۲۰۱۲)؛ *الاستراتيجية القانونية الفلسطينية... الاحتياج والاهمية...*؛ فلسطین: مسارات.
- جرابه، محمود (۲۰۱۰)؛ *حركة حماس: مسيرة مترددة نحو السلام*؛ رام‌الله: المركز الفلسطيني للبحوث و الدراسات السياسية و المسحية.
- الجرباوی، علی (۲۰۰۹)؛ *حماس: مدخل الاخوان المسلمین إلى الشرعية السياسية*؛ رام‌الله: الدراسات

الفلسطینیة.

- صایغ، یزید (۲۰۱۰): *ثلاث سنوات من حکم حماس فی غزّة*؛ بیروت: مرکز الزيتونة للدراسات و الاستشارات.
- القصاص، أشرف إبراهيم (۲۰۰۷): «*دور المقاومة الفلسطينية فی التصدي للعدوان الاسرائیلی علی لبنان من عام ۱۹۷۸-۱۹۸۲*»؛ دراسة تاریخیه، غزّة: الجامعة الاسلامیه
- الفالوجی، عماد (۲۰۰۲): *درب الأشواک: حماس، الانتفاضة، السلطة*؛ رام‌الله: دارالشروق.
- المقادمة، ابراهیم (۱۹۹۸): *معالم فی الطريق الی تحریر فلسطين*؛ غزه: جامعة غزّة.
- النحوی، عدنان (۱۹۸۰): *فلسطين بین المنهج الربانی و الواقع*؛ بیروت: دارالشروق.
- هلال، جمیل (۲۰۰۶): *التنظیمات و الاحزاب السیاسیة الفلسطينية بین مهام الديمقراطية الداخلية و الديمقراطية السیاسیة و التحریر الوطنی*؛ رام‌الله: مواطن.
- یوسف، مصعب حسن (۲۰۱۱): *ابن حماس*؛ بیروت: دارالشروق.

۳- منابع الکترونیکی

- مشعل، خالد سخنرانی در برنامه «درمسیر صلاح الدین» مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲:
<http://www.isna.ir/news/۹۴۱۲۱۲۰۸۱۹۶>
- جعفری سمیع، محمدحسین؛ «شهید شیخ احمد یاسین»، سایت عزالدین قسام:
<http://ghassam.persianblog.ir/post/۱۲>
- تارنمای الکترونیکی دفتر مقام معظم رهبری؛ «هنیه، اسماعیل، در دیدار با مقام معظم رهبری»:
<http://www.leader.ir/fa/content/۹۱۴۴>